



خدای این پادشاهی کیست؟

سه، در یک

افراد زیادی سعی کرده اند تا تصویری از خدا بسازند. مگر خدا در کتاب مقدس میگوید بهتر است اینکار را نکنید.

خروج ۲۰: ۴-۵

دلیل اینکه چرا خدا میگوید بسیار ساده است. شما نمیتوانید او را در یک تصویر محدود کنید. هیچ مخلوقی نیست که بتواند نشان دهد خدا چه کسی است. به استثنای یک مورد، هیچ کس بر روی زمین خدا را به آنگونه که حقیقتاً هست، ندیده است. ما ترجیح میدهیم که خدا را به صورت یک شخص، یک حیوان، آب، آتش یا چیزهایی شبیه به آن نشان دهیم تا از آنچه که خدا هست تصویری داشته باشیم. مگر میخوانیم که خدا این را نمیخواهد چون تصویر ما همیشه ناقص است. ما با فکر انسانی مان هیچ وقت نمیتوانیم او را درک کنیم، شکل بدهیم یا تفتیش کنیم. یک مخلوق چطور میتواند درک کند که خالق یا سازنده اش کیست؟

او کیست؟

خوشبختانه خدا به روشهای مختلف دیگری خود را به ما میشناساند. اینکه چهره او چگونه است ظاهراً مهم نیست. بطور نمونه خدا در زمان خلقت میگوید: «انسان را همانند خود میسازیم. آنها به صورت ما و شکل ما باشند.» پیدایش ۱: ۲۶، ۲۷ در اینجا میخوانیم که در زن و مرد تصویر خدا نهفته است. در این بخش کلمه عبرانی «تسالم» بکار برده شده است. تسالم به معنای سایه دهنده میباشد. این تصویر بسیار زیبا است. سایه تنها قسمتی از حقیقت را نشان میدهد. به این ترتیب انسان یک بخشی از شخصیت خدا را بازتاب میکند اما هرگز تصویر کاملی از او نیست.

در انسان خصوصیتی را میبینیم که چیزهایی از ذات خدا را نشان میدهد. بدین گونه انسان از جسم، جان و روح تشکیل شده است. جسم ترکیبی از استخوانها، اعضای درونی، پوست و غیره میباشد. جان از اراده، احساس و منطق تشکیل شده است. روح مجموعه ای از وجدان و حس برتر هستند. ترکیب این سه با هم یک انسان را شکل میدهند.

بنابراین یک خدا وجود دارد که درست مانند انسان از سه بُعد تشکیل شده است. در این درس مبنا را بر آن میگیریم که خدا را نمیتوان بصورت موجود زنده با یک بدن تصور کرد. اما چگونه او میتواند سه بُعد در یک بُعد باشد؟ این موضوع همیشه در درک انسانی ما یک راز باقی خواهد ماند و ما هرگز نمیتوانیم آن را کشف کنیم. با این حال ما سعی خواهیم کرد ذره ای ازین حقیقت را آشکار کنیم.

داستان

تصور کنید که دنیا مانند یک قایق است. در این قایق افراد زیادی هستند که ما آنها را به صورت لیوانهای خالی در نظر میگیریم. قایق در یک اقیانوس پاک شناور است با آب زلال، خالص و شفاف. اقیانوس نمادی از خداست که همه جا حاضر است. نام او حاضر مطلق است. خدا بسیار بزرگتر از قایق است.

خدا مشتاق آن است که با انسانهای داخل قایق ارتباط برقرار کند. او آنها را دوست دارد! برای همین آنها را آفریده است. لیوانهای درون قایق انسانهایی هستند که درونشان کثیف است. آنها از خدا میترسند و او را نمیشناسند. خدا تصمیم میگیرد که خود را در قایق نشان دهد. به همین منظور یک لیوان را پر از آب پاک اقیانوس میکند و در قایق میگذارد. زمانی که این لیوان در بین لیوانهای دیگر قرار میگیرد، آنها میبینند که او متفاوت است. این لیوان نمونه ای برای دیگر لیوانها است. حالا افراد بیشتری میخواهند شبیه او باشند. اما هستند اشخاصی که از او دوری میکنند. تنها با یک روش آنها هم میتوانند شبیه این لیوان با آب پاک شوند. همان آب پاک باید در لیوانهای کثیف انداخته شود. این تنها زمانی امکان پذیر است که لیوانی که آب پاک در آن

است شکسته شود و آب آن در قایق پخش گردد. حالا آب پاک برای همه در دسترس است و در همه جا حضور دارد.

در این داستان حضور خدا را می بینیم که همه جا موجود هست. عیسی با ذات الهی در بدن یک انسان آمد. بدن او از بین رفت تا روح او در همه جا منتشر گردد. زمانی که عیسی از مردگان قیام کرد، روح خدا بر زمین آمد.

در زمان خلقت و پنتیکاست در باره خدا چه می خوانیم؟

پیدایش ۱: ۲-۳

زمانی که عیسی نزد پدر آسمانی باز میگشت، گفت که روح خدا به جای او خواهد آمد. این همان چیزی است که در پنتیکاست اتفاق افتاد. روح خدا تا امروز هم کار می کند.

اعمال رسولان ۲: ۱-۴

خدا و انسان

در آغاز آفرینش، داستان آدم و حوا و چگونگی معاشرت خداوند با آنها را میبینیم. برای خدا امر طبیعی بود که با این دو انسان صحبت کند و در کنار آنها باشد. در آنجا جواز آرامش و شادمانی حاکم بود. همه چیز نیکو بود.

ما در بخش اول دیدیم که چگونه تمام این صحنه تغییر کرد. خداوند از طریق انبیا نشان داد که چگونه انسانها میتوانند دوباره با او ارتباط برقرار کنند و چگونه عدالت، صلح و شادی میتواند به این دنیا بازگردد. نمونه زیبایی از آن را در عهد عتیق میابیم.

چی کسانی بر فراز کوه می روند؟ آنجا با خدا چی می کنند؟

خروج ۲۴: ۹-۱۱

در این داستان میبینیم که موسی و مشایخ چگونه خدا را به روش خارق العاده ملاقات میکنند. خدا در اینجا نشان میدهد که چه چیزی برای او اهمیت دارد. او میخواهد در کنار انسانها باشد و با آنها همسفره شود. همسفرگی نشانه مهمان نوازی و رابطه صمیمی میباشد.

با این حال، ما در عهد عتیق می بینیم که هر بار در رابطه خدا و انسان مشکل پیش می آید. انسانها دائماً از خدا دور میشوند. در نهایت خدا تصمیمش را به اجرا در آورد و خود را به صورت انسان، در شخص عیسی، بر روی زمین نشان میدهد. چون او در جسم یک انسان ظاهر شد، سایر انسانها از او ترسی نداشتند. همچنین عیسی نمونه ای از محبت خدا بود. مهمترین هدف عیسی این بود که مانع بزرگ میان خدا و انسان را از میان بردارد.

عیسی در یک زمان فقط میتوانست در یک مکان حضور داشته باشد. به همین دلیل است که او پس از پایان مأموریت خود رفت. خدا به عنوان روح القدس که میتواند در همه جای دنیا باشد، بازگشت.

تکلیف

از خدا بخواهید که در درسهای آینده خود را همانگونه که هست به شما نشان دهد. شما میتوانید قبل از هر درس از او بخواهید که افکار شما را در مورد خودش تغییر بدهد تا بتوانید دید جدیدی در مورد اینکه او کی است به دست آورید.

در آغاز این درس خواندیم که خدا از ما نمیخواهد که بت یا تصویری از او بسازیم. در زمان قدیم مردم این کار را میکردند تا آنچه را که در زندگی شان بسیار مهم است نمایان کنند و به آن احترام بگذارند. امروزه این کار چندان رایج نیست. اما ممکن است چیزهایی در زندگی ما وجود داشته باشند که از خدا مهمتر باشند. اغلب اوقات، ما زمان زیادی را صرف آن چیزها میکنیم. فکر کنید که آیا چیزهایی در زندگی شما وجود دارند که از خدا مهمتر باشند؟ اگر جوابتان بله است، میخواهید با آنها چکار کنید؟

با مرپ‌تان در بارهٔ تصویری که همیشه از خدا داشته اید صحبت کنید. او برای شما چه کسی است؟ سعی کنید در قسمت دوم بخش پیروی، انجیل یوحنا را به گونهٔ مرتب بخوانید. آنچه را که در مورد پدر، پسر و روح القدس میخوانید یادداشت کنید. همچنین چیزهای دیگری را که متوجه میشوید، یا آنچه را که نمی‌فهمید و چیزهایی که برای شما جدید است، یادداشت کنید.

اصل پنجم

خدا روح است، او جسم ندارد. او همه جا موجود هست. او ذات یکتاست که خود را به عنوان پدر، پسر و روح القدس در زندگی ما نشان می‌دهد.



خروج ۲۰: ۴-۵

«هیچ تمثال تراشیده‌ای برای خود مساز، خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من، یهوه خدای تو، خدایی غیورم که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و پشت سؤم و چهارم آنان که مرا نفرت کنند می‌رسانم.

پیدایش ۱: ۲۶-۲۷

آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می‌خزند، فرمان براند.»^{۲۷} پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید.

پیدایش ۱: ۲-۳

زمین بی‌شکل و خالی بود، و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آنها را فرو گرفت.^۳ خدا گفت: «روشنایی باشد»، و روشنایی شد.

اعمال رسولان ۲: ۱-۴

اچون روز پنتیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند^۲ که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد.^۳ آنگاه، زیانهایی دیدند همچون زیانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت.^۴ سپس همه از روح‌القدس پُر گشتند و آن‌گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند.

خروج ۲۴: ۹-۱۱

آنگاه موسی و هارون، ناداب و ابیهو، و هفتاد شیخ اسرائیل بالا رفتند^۹ و خدای اسرائیل را دیدند. زیر پاهای او چیزی بود همچون سنگفرشی از یاقوت کبود، به صافی خود آسمان.^{۱۱} اما خدا دست خویش را بر بزرگان بنی اسرائیل بلند نکرد. پس خدا را دیدند، و خوردند و نوشیدند.